

مارک دولی، لیام کاوانا

فلسفہ دریدا

ترجمہ نادر خسروی

www.ketab.ir



سرشناسه: دولی، مارک، ۱۹۷۰-م. Dooley, Mark • عنوان و نام پدیدآور: فلسفه دریدا؛ مارک دولی، لیام کاوانا؛ ترجمه نادر خسروی؛ ویراستاری نازنین خلیلی پور، مونا سیف • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۴۰۰ • نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۴۰۰ • مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۳۹۲-۴ • وضعیت فهرست نویسی: فیپا • یادداشت: عنوان اصلی: The Philosophy of Jacques Derrida • موضوع: دریدا، ژاک، ۱۹۳۰-۲۰۰۴م. Derrida, Jacques؛ فلسفه جدید، Philosophy, Modern • شناسه افزوده: کاوانا، لیام، ۱۹۷۳-م. Kavanagh, Liam, 1973 • خسروی، نادر، ۱۳۶۸-، مترجم • رده بندی کنگره: B۲۴۳۰ • رده بندی دیویی: ۱۹۴ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۲۵۴۶

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

فلسفه دریدا

مارک دولی، لیام کاوانا

مترجم: نادر خسروی

ویراستار: نازنین خلیلی پور، مونا سیف

صفحه آرا: الهه خلج زاده

لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۰، ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۳۹۲-۴

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashrenay.com • email: info@nashrenay.com • nashrenay

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۷	پیش‌گفتار
۲۳	کوتاه‌نوشت‌ها
۲۷	فصل اول: ویرانی حافظه: هویت و سوگواری
۲۷	هویت و تعلق
۳۰	حضور و فقدان
۳۲	زمان ناساز است
۳۴	حافظه و سلطه
۳۶	خاکسترها و سوگواری
۴۰	هدیه
۴۳	هگل و یهودیان
۴۷	عمل سوگواری
۵۳	نتیجه‌گیری

۵۷	فصل دوم: مرگ و دیفرانس: فلسفه و زبان
۵۹	گفتار و نوشتار
۶۶	افشاندگی
۶۹	دیفرانس
۷۵	ساختارگرایی
۸۲	نیتمندی، غیاب و تکرار
۸۸	دریدا و آکسفورد
۹۵	مناظرات و بدفهمی‌ها
۱۱۷	دریدا و فلسفه تحلیلی
۱۲۵	نتیجه‌گیری
۱۲۷	فصل سوم: تکرار و کارت‌پستال: روان‌کاوی و پدیدارشناسی
۱۲۸	پست
۱۳۳	فروید و روان‌کاوی
۱۴۶	هوسرل و پدیدارشناسی
۱۵۹	مارتین هایدگر
۱۷۳	بایگانی
۱۸۷	نتیجه‌گیری
۱۸۹	فصل چهارم: مخاطره‌های مذاکره: اخلاق و سیاست
۱۹۳	مهمان‌نوازی
۱۹۸	عدالت و امر تصمیم‌ناپذیر
۲۰۵	موهبت مرگ
۲۰۸	هر دیگری تماماً دیگری است

مقدمه مترجم

دریدا در گفت‌وگویی با الیزابت وِبر خاطرنشان می‌کند که «من فقط یک پروژه دارم. ... اشتیاق من در وهله اول این نیست که اثری فلسفی یا هنری بیافرینم، بلکه این است که خاطره را حفظ کنم»^۱. او اظهار می‌کند که سنت فلسفی همواره برحسب نوعی غایت‌شناسی حافظه درباره هویت می‌اندیشد.^۲ غایت‌شناسی حافظه از نظر دریدا بدین معناست که می‌توان گذشته را در کلی سازوار بازیابی و یادآوری کرد. اما او این یادآوری را ممکن نمی‌داند، از این رو از وِبرانی حافظه یاد می‌کند و کار خود را متوجه ردهای شیخ‌وار گذشته و خاطرات می‌کند: «دریدا می‌خواهد گذشته را نگهداری و محافظت کند، درحالی که آن را به مخاطره‌ها و وعده آینده می‌گشاید.» (ص ۲۴۹ کتاب حاضر) در کار دریدا این حفظ خاطره با مفهوم سوگواری گره خورده است. در نظر دریدا سوگواری ما فقط به دوره فقدان عزیزمان ختم

1. Jacques Derrida, "Dialanguages" in *Points...: Interviews, 1974-1994*, (eds.) Elizabeth Weber, (trans.) Peggy Kamuf & Others, Stanford University Press, 1992, p. 142-3.

۲. از نظر دریدا، تاریخ فلسفه تاریخ حافظه است، از گفتمان افلاطونی درباب آنامنسیس و کوشش برای یادآوری و به‌خاطر آوردن قلمرو معقول صورت تا پروژه تأملی هگل درباب آفهبونگ و اِربینونگ به‌عنوان خاطره و یادآوری و تا تبارشناسی نیچه و اندیشه هایدگر درباره گردآوری و تکرار. بنگرید به:

Jacques Derrida, "Passages – from Traumatism to Promise", in *Points...: Interviews, 1974-1994*, (eds.) Elizabeth Weber, (trans.) Peggy Kamuf & Others, Stanford University Press, 1992, p. 382-383.

نمی‌شود، بلکه او تعریفی خاص از عملِ سوگواری دارد. دریدا، در عین این‌که عملِ سوگواری را به حفظ دیگری یا به رهاکردنش تقلیل نمی‌دهد، می‌خواهد هم دیگری را حفظ و هم او را رها کند:

سوگواری یعنی درونی‌کردنِ دیگری مرده، اما سوگواری خلافِ آن نیز هست. از این‌رو ناممکن بودنِ سوگواری کامل برای کسی و حتی خواستِ امتناع از سوگواری نیز شکلی از سرسپردگی و وفاداری است. ... من چون می‌خواهم آنچه را از دست می‌دهم حفظ کنم، نمی‌توانم سوگواری‌ام را کامل کنم. در عین حال، شایسته‌ترین کاری که می‌توانم انجام دهم سوگواری و بنابراین از دست دادنِ آن است. چون من به یاری سوگواری آن را درونِ خودم حفظ می‌کنم. و این است منطقِ مهیبِ سوگواری که من همیشه از آن سخن می‌گویم و همیشه دغدغه‌ام بوده است.^۱

متونِ دریدا، به مثابهٔ اعمالِ سوگواری، مملو از بقایای سوخته و خاکسترها، اشباح و ویرانه‌ها هستند. او می‌خواهد خاکسترها و ردهای خاطرات را گرد هم آورد و تفسیر کند. افزون‌بر این، چنان‌که در کتاب حاضر خواهیم دید، از نظر دریدا ما سوگواری‌م چون هرگز نمی‌توانیم گذشته را احیا کنیم: «اگر ویرانیِ حافظه گواهی است بر این‌که احیای روزگار رفته امری ناممکن است، پس عمل سوگواری نیز اشتیاقی برای حفظ و نگه‌داشتِ روزگار رفته است تا به آن حیاتی دوباره ببخشیم.» (ص ۳۹-۴۰) عمل سوگواری، مانند باقی‌مانده‌ای نیم‌سوخته از یک عکس، شاهدی است از روزگارِ از دست‌رفته‌ای که دیگر نمی‌توانیم از نو حاضرش سازیم، با وجود این از ما می‌طلبد که راوی داستان و حکایتش باشیم. «ما هرگز نمی‌توانیم گذشته را از بقایای سوخته تاریخ احیا کنیم، اما به یاری سوگواری می‌توانیم همچنان آن را تفسیر کنیم، به آن انسجام و شکل ببخشیم، و حداکثر تلاش خود را معطوف کنیم به این‌که داستان آن را بازگو کنیم و آن را به آینده بگشاییم.» (ص ۴۰)

در این کتاب مدام از آیندگانی بودنِ مفاهیم دریدا سخن می‌رود، اما دربارهٔ خودِ مفهوم «آینده» (*l'avenir*) بحثی مشخص به میان نمی‌آید. فهم مفهوم آینده، آن‌طور

که دریدا آن را مطرح می‌کند، برای درک کتاب حاضر و نیز بخش عمده‌ای از کار او حیاتی است. شرح خود دریدا را از مفهوم آینده در مستند دریدا نقل می‌کنم. در آغاز این مستند، درواقع در همان دقایق نخست، صدای دریدا را می‌شنویم که در یکی از سمینارهایش تمایز میان «آینده» (*l'avenir*) و «زمان آتی» (*futur*) را توضیح می‌دهد:

به‌طورکلی، سعی می‌کنم میان آنچه زمان آتی می‌نامم و آینده تمایز بگذارم.^۱ زمان آتی آن چیزی است که فردا روز، بعداً یا در قرن بعدی اتفاق می‌افتد. زمان آتی را می‌توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کرد، آن را زمان‌بندی کرد و چشم به راهش بود. اما آینده (آنچه در راه است) آن چیزی است که به دیگری‌ای ارجاع می‌دهد که تماماً غیرمنتظره فرا می‌رسد. برای من آینده واقعی چنین است: آینده‌ای که مطلقاً پیش‌بینی‌ناپذیر است؛ دیگری‌ای که فرامی‌رسد بی آن‌که چشم به راهش باشم. پس اگر آینده‌ای واقعی، فراسوی زمان آتی مرسوم، در کار باشد، آینده‌ای است که خودش خواهد آمد، آینده‌ای که در آن دیگری می‌آید بی آن‌که بتوانم فرارسیدنش را پیش‌بینی کنم.^۲

ما معمولاً برای روزهای پیش روی خود برنامه‌ریزی می‌کنیم. مثلاً قراری کاری را با کسی هماهنگ می‌کنیم. اما این برنامه‌ریزی‌ها برای روزهای آتی آن چیزی نیست که دریدا از مفهوم آینده مدنظر دارد. این‌ها اموری پیش‌بینی‌پذیر، قابل برنامه‌ریزی و قابل انتظارند. اما آینده در نظر دریدا آن چیزی است که خودش خواهد آمد،

۱. واژه *avenir* از واژه لاتینی *advenio* [advenire] می‌آید به معنای «در راه بودن و از راه رسیدن». واژه *advenio* از دو جزء *ad-* (به سوی، در حوالی، گرایش به) و *veniō* (آمدن و رسیدن) ساخته شده است. واژه *avenir* در زبان فرانسه هم به معنای آینده در معنای امری قابل پیش‌بینی و برنامه‌پذیر، و هم آینده در معنای امری غیرقابل پیش‌بینی و برنامه‌ناپذیر است. این دو معنا به دشواری تحت یک واژه در زبان فارسی گرد هم می‌آیند، اما معادل آینده به آنچه دریدا درباره *avenir* می‌گوید نزدیک‌تر است. در این جا واژه *futur* را به معنای «زمان آتی» یا «فردا روز» برگردانده‌ام. همچنین دریدا گاهی *avenir* را به صورت *à-venir* می‌نویسد تا بر سویی در-راه‌بودن آینده تأکید کند.

2. Derrida, Directed by Dick Kirby and Amy Ziering Kofman, Jane doe Films (Production), (2002).